

دبستان سراج-مراسم آغاز سال تحصیلی جدید

پناهیان: بچه‌ها قبل از اینکه باسواد بشوند، باید مردان قوی و بزرگی بشوند در جثه‌های کوچک / اگر آقاپسری قوی شود، درس و اخلاق و نظم هم خوب می‌شود / اول باید بچه‌ها را به شخصیت‌هایی قوی و استوار تبدیل کنیم / گریه دانش‌آموزان یک مدرسه در اصفهان بخاطر پایان یک اردوی چند روزه زندگی سخت!

پناهیان: اگر ویژگی‌های شخصیتی مثل مسئولیت‌پذیری و مقاوم بودن را در بچه‌ها تقویت کنیم، هیچ نگرانی‌ای نسبت به دینداری آنها نداریم. مدرسه خوب، مدرسه‌ای نیست که مدام به بچه‌ها دعا و قرآن و نماز یاد بدهد؛ مدرسه‌ای است که پسرها را «مرد» بار بیاورد! و دخترها را «خانم»؛ دخترها هم باید شخصیت‌های استواری داشته باشند. / مدرسه خوب مدرسه‌ای است که زرتشتی‌ها و ارمنی‌ها هم بخوانند بچه خود را در آن ثبت‌نام کنند، چون این مدرسه شخصیت بچه ما را «قوی» بار می‌آورد.

حجت‌الاسلام پناهیان در مراسم آغاز سال تحصیلی جدید؛ با حضور در دبستان «سراج» سخنرانی کوتاهی در خصوص اهداف نظام تربیتی در دبستان ایراد کردند که مشروح این سخنرانی را در ادامه می‌خوانید:

بچه‌ها قبل از اینکه باسواد بشوند، باید مردان بزرگی بشوند در جثه‌های کوچک

- در مدرسه، بچه‌ها قبل از اینکه باسواد شوند، باید مردان بزرگی بشوند در جثه‌های کوچک. و خود شما ان‌شاءالله با توجه به مهارت‌هایی که دارید، و ان‌شاءالله پیدا می‌کنید، در فضای انیمیشن و فضای ساختن کارتن‌های بسیار زیبا و جذاب(۱)، یک چنین کارتن‌هایی بسازید که پسرنی که از نظر جثه کوچک هستند، کارهای خیلی بزرگ انجام می‌دهند چون مردان بسیاری قوی‌ای هستند.
- اگر یک آقاپسری، مرد بسیار قوی‌ای بشود، بعداً درسش هم خوب می‌شود، بعداً اخلاقش هم خوب می‌شود، نظمش هم خوب می‌شود. اول باید آقاپسرهارا به سرعت تبدیل کرد به مردان بسیار قوی و بزرگ؛ مردانی که مدرسه را اداره می‌کنند، مردانی که خانه را اداره می‌کنند، آن وقت اخلاق‌شان هم خیلی شیک و با بزرگواری و گذشت و انصاف خواهد شد.
- یکی از مشکلاتی که در جامعه ما هست این است که به دبیرستانی‌ها، مثلاً کسی که در کلاس دهم یازدهم است، هنوز به او می‌گویند «بچه‌مدرسه‌ای» در حالی که برای خودش یک مردی شده است، دیگر سن او هفتاد سال هم بشود، جثه‌اش بزرگتر نمی‌شود، کم‌کم دارد ریش و سبیل هم در می‌آورد، ولی هنوز به او می‌گویند «بچه‌مدرسه‌ای»!

اسلام خیلی موافق است که خیلی زود به بچه‌ها بگویند «تو مرد شده‌ای»

- اسلام خیلی موافق است که خیلی زود به بچه‌ها بگویند «تو مرد شده‌ای» به دخترخانم‌ها هم خیلی زود بگویند «تو برای خودت خانم شده‌ای». اینکه از سن چهارده‌سالگی، بچه مکلف می‌شود، مسئول می‌شود و دیگر باید خودش کارهای خودش را در ارتباط با پروردگار عالم انجام دهد، و یک رابطه قوی مسئولانه داشته باشد، به‌خاطر این است.

امام صادق(ع) می‌فرماید: سن کمال برای انسان، هجده سالگی است / انسان از چهارده‌سالگی باید خودش را مسئول بداند

- شما وقتی دیپلم می‌گیرید، حدود سن هجده‌سالگی است. امام صادق(ع) می‌فرماید: تا سن هجده‌سالگی کافی است برای اینکه انسان به بالاترین مدارج کمال برسد، و دیگر در بقیه عمر، می‌تواند خودش را حفظ کند و به‌صورت دیگری تکامل پیدا کند.
- من به پدر مادرهای محترم-که اینجا هستند- خبر بدهم که در روایت هست، سن کمال برای انسان، هجده سالگی است(و سئلَ عَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْ لَمْ نُعْمَرْكُمْ مَا يُتَذَكَّرُ فِيهِ مِنْ تَذَكَّرَ فَقَالَ تَوَيْخُ لَائِنَ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً؛ من لایحضره‌القیهه ۱/۱۸۶) خیلی جاها که ما این سؤال را از مردم می‌پرسیم، می‌گویند: چهل سالگی است. در حالی که امام صادق(ع) می‌فرماید: هجده سال کافی است برای اینکه انسان به عالی‌ترین درجات برسد.
- انسان از کی باید خودش را مسئول بداند؟ از چهارده‌سالگی. و من امیدوارم که این مدرسه بتواند این کار را انجام دهد. گزارش‌هایی که از سال‌های قبل دارم و فعالیت‌ها و زحمات‌هایی که بچه‌ها کشیده‌اند، نمونه‌هایی که نقل می‌کنند، همین را دلالت می‌دهد.

امروز یکی از مشکلات ما این است که بچه‌های ما زندگی طبیعی ندارند/بچه‌ها در مدرسه سختی نان پختن را تجربه کنند

- پدر مادرهای محترم بدانند، امروز یکی از مشکلات ما این است که بچه‌های ما زندگی طبیعی ندارند. بچه در زندگی روستایی و کشاورزی، با پختن نان که چقدر سختی دارد، آشنا می‌شود، می‌بیند که چندین ساعت طول می‌کشد تا یک‌دانه نان پخته شود. در حالی که بهترین غذاها-مثلاً کباب- خیلی راحت پخته می‌شود. و بعد شما به این بچه می‌خواهید بگویید: قدر نان را بدان! اسراف نکن! نانی که زنگ می‌زنید از سوپرمارکت سر کوچه آورده‌اند، این بچه دیگر به‌طور طبیعی حرمت نان را نمی‌داند. الان دیگر بچه‌ها خیلی کمتر حتی سر صف نان می‌ایستند!
- ما به دوستان‌مان پیشنهاد کرده‌ایم که شما در مدرسه، نان پختن را رواج دهید، بچه‌ها خودشان نان بپزند و با زندگی طبیعی آشنا بشوند، وقتی بچه‌ها در طبیعت باشند، می‌دانند که به‌دست آوردن میوه، زحمت دارد. بچه‌ها اگر در طبیعت باشند می‌دانند که ساختن خانه زحمت دارد.

زندگی شهری بین «بچه‌ها» و «درک سختی زندگی-که لازمه خوب بودن است» فاصله انداخته / گریه دانش‌آموزان بخاطر پایان یک اردوی زندگی سخت در اصفهان

- این زندگی شهری، به‌صورت طبیعی، بین «افرادی که بین شهر زندگی» و بین «درک سختی زندگی که لازمه خوب بودن است»، فاصله انداخته است. ما باید یک زندگی طبیعی داشته باشیم، تا سختی‌های یک زندگی طبیعی را به شیرینی بپذیریم.

• من به مدرسه‌ای در اصفهان رفته بودم، آنجا بچه‌ها را به یک اردویی می‌بردند که خیلی طبیعی بود. در این اردو، بچه‌ها باید ماهی می‌گرفتند، باید می‌رفتند آتش درست می‌کردند (حتی بدون کبریت) و بعد باید خار می‌کندند و می‌آوردند، فقط یک‌ذره امکانات به آنها می‌دادند و می‌گفتند: اگر توانستید، غذا هم بخورید. ولی بعضی از بچه‌ها نمی‌توانستند و برای‌شان سخت بود و بعد غذا هم نداشتند بخورند، می‌دانستند که دیگر تا فردا صبح نمی‌توانند کاری کنند. این شرایط در اوایل اردو یک‌مقدار برای بچه‌ها سخت بود، ولی اواخر، بچه‌ها با گریه از این اردو می‌رفتند و می‌گفتند: «چقدر شیرین بود این اردویی که ما همه کارهای‌مان را خودمان انجام می‌دادیم.»

• اینجا هم پارسال به بنده می‌گفتند: بچه‌ها در مدرسه، خودشان سفره پهن می‌کنند، خودشان سفره را تمیز می‌کنند، خودشان اتاق را مرتب می‌کنند، در اینجا میز و صندلی را به بچه می‌دهند و می‌گویند «این مال خودت است» تا پنج شش سال باید میز و صندلی خودت را خودت نگه داری.

اگر ویژگی‌های شخصیتی مثل مسئولیت‌پذیری و مقاوم بودن را در بچه‌ها تقویت کنیم، هیچ نگرانی‌ای نسبت به دینداری آنها نداریم

• ما اگر این ویژگی‌های شخصیتی-مثل مسئولیت‌پذیری و مقاوم بودن- را در بچه‌ها تقویت کنیم، هیچ نگرانی‌ای نسبت به دینداری بچه‌ها نداریم. مدرسه خوب، مدرسه‌ای نیست که مدام به بچه‌ها دعا و قرآن و نماز یاد بدهد! مدرسه‌ای است که پسرها را مرد بار بیاورد، و دخترها را خانم؛ دخترها هم باید شخصیت‌های قوی و استواری داشته باشند.

«ادب» مال آدم‌های قوی است / اول باید بچه‌ها را به شخصیت‌هایی قوی و استوار تبدیل کنیم

• اینجا باید سر زبان همه باشد «مرد باش، قوی باش، محکم باش» این کلمات خیلی کلمات خوبی است، یا آن کلمه‌ای که امام صادق(ع) مطرح می‌کند به عنوان اینکه «مؤدب باش» ادب مال آدم‌های قوی است، آدم‌های ضعیف زیرآبی می‌روند، دروغ می‌گویند، خالی می‌بندند، ولی آدم قوی این طوری نیست. آدم ضعیف حسودی می‌کند، ولی آدم قوی حسودی نمی‌کند.

• ما باید اول جوان‌های‌مان را به یک شخصیت‌های استوار تبدیل کنیم. فکر می‌کنم سر این اهداف بین خانه و مدرسه باید یک توافق‌نامه‌ای امضاء بشود تا خانه و مدرسه با هم همکاری کنند. اگر در خانه به روال مدرسه عمل نشود، بچه «دو آب و هوایی» می‌شود، و از نظر تربیتی صدمه می‌خورد. خانه و مدرسه باید با هم همکاری کنند و خصوصاً مادرها باید در جریان تربیت بچه‌ها در مدرسه باشند.

مدرسه خوب مدرسه‌ای است که زرتشتی‌ها و ارمنی‌ها هم بخوانند بچه خود را در آن ثبت‌نام کنند / تجربه جهانی در تست شیرینی

• اول شخصیت! یک مدرسه خوب مدرسه‌ای است که زرتشتی‌ها و ارمنی‌های شهر هم بچه‌های خود را بیاورند و بگویند «ما می‌خواهیم بچه‌مان را اینجا ثبت‌نام کنیم؛ چون این مدرسه شخصیت بچه ما را قوی بار می‌آورد» باید این‌طور باشد.

• در خیلی از نکات می‌توانیم از تجربه جهانی استفاده کنیم. مثلاً این «تست شیرینی» الان یک حرف بین‌المللی است: یک شیرینی جلوی بچه‌ها می‌گذارند و به آنها می‌گویند: «ما تا یک ربع دیگر برمی‌گردیم، اگر این شیرینی را نخورده باشی، دو تا شیرینی به تو می‌دهم» بعضی از بچه‌ها بلافاصله می‌خورند، بعضی‌ها ۱۰ دقیقه بعد می‌خورند و بعضی‌ها-باینکه گرسنه هستند- نمی‌خورند. و بعداً زندگی این بچه‌ها را در ۱۵ سال آینده بررسی کرده‌اند، و دیده‌اند، بچه‌هایی که شیرینی را نخوردند، در علم و کار و ازدواج و حتی در مدیریت، بسیار آدم‌های موفقی شده‌اند. و آنهایی که طاق‌ت نیاورده بودند و زود شیرینی را خورده بودند، بعدها در زندگی‌شان دچار مشکلات فراوانی بودند. یعنی این مسأله را بعد از ۱۵ سال می‌توان بررسی کرد.

مدرسه خوب مدرسه‌ای نیست که همان‌سال نتیجه‌اش را نشان دهد؛ ۱۵ سال بعد باید نتیجه‌اش را دید

• یک مدرسه خوب مدرسه‌ای نیست که همان‌سال نتیجه‌اش را نشان دهد، باید بعد از ۱۵ سال این بچه را ببینید که چطور شده است؟ خیلی از مدارس در تهران هستند که به بچه نمره ۲۰ می‌دهند و ظاهراً هم این بچه دارد خوب درس می‌خواند، اما وقتی این بچه به دانشگاه می‌رود، دچار بسیاری از افسردگی‌ها و مشکلات می‌شود، یا بعد از اینکه دکترای خود را گرفت و سر کار رفت، هزاران مشکل دیگر ایجاد می‌کند.

• چرا همه پزشکان ما دکتر قریب نمی‌شوند؟ چرا همه مهندسی‌ها ما مثل دکتر حسابی نمی‌شوند؟ یعنی یک دکتر یا مهندس حسابی نمی‌شوند؟ چون اینها شخصیت‌های قوی‌ای نداشتند. ما در درجه اول باید آدم‌های قوی‌ای بشویم.

• امیدوارم این کوچولوهای که مردان بزرگی هستند، پس‌فردا وقتی دیدند که مادرشان سر یک حادثه‌ای دارد گریه می‌کند و ناراحت است، بگویند: «مامان! ناراحت نباش، این می‌گذرد...» یعنی به مادرش هم تسکین بدهد؛ این قدر بچه‌ها می‌توانند مؤثر باشند.

در دفاع مقدس جوان‌ها در سن کم، به مردان بزرگ تبدیل شدند / الان باید با نظام تربیتی‌مان، به این اهداف بزرگ برسیم

• خُب هفته دفاع مقدس هم هست؛ در دفاع مقدس یک اتفاقی که افتاد این بود که جوان‌ها در سن کم-در سن دبیرستان- رفتند و به مردان بزرگ تبدیل شدند.

• حالا ما الان دفاع مقدس نداریم-الحمدلله کشورمان در امنیت است- الان باید با نظام تربیتی‌مان بسیار شیرین، به این اهداف بزرگ برسیم.

(۱) در دبستان سراج دانش‌آموزان طی کلاس‌هایی ساخت بازی و انیمیشن را یاد می‌گیرند و تمرین می‌کنند.

